دکتر جهانگیر معینی علمداری

کانتگراپی، فراکانتگراپی و نظم جهانی

چکیده: مرحله جدیدی از روابط بین سطح آغاز شده است و نظر به بردازش روابط بین سطح شروع به توصیف و تبیین ویژگی‌های این دو راه مثبت و مشخص کردن خطوط اصلی آن کرده‌اند. به نظر می‌رسد، از جمله روندهای جهان معاصر گسترش چارچوب دموکراتیک و حقوقی نظم بین سطح، کاهش پیشنهاله و برپارای یک نظام جنگی‌کننده اقتدار باشد. در مقاله حاضر، ریشه‌های آرمانگراپی در این تحول در اندازه‌های کانستاک در روابط بین سطح برسی می‌شود. کانستاک، در قرن بیستم یک رشته قضاوتی بی‌سابقه در استاندارد قانونی، از آزادی‌های فردی و قانون‌بندی‌ها را استخراج می‌کند و آن را مسئولیت‌های سیاسی داخلی و بین‌المللی کشورها قرار می‌دهد. در نهایت، هدف کانستاک تحقق آزادی‌های ویژه‌ای انسانی بود. کانستاک اصول جامعی را در سه سطح ملی و نژادی و سطح شهری که کاربردی بسیار است. سپس نویسنده مقاله تحول این مضمون در اندازه‌های فراکانتگراپی روابط بین سطح و روابط بین سطح پس از گراپی، فراکانتگراپی.
امروزه در میان حقوقدانان و فیلسوفان سیاسی این عقیده بیش از پیش محبوبیت پیدا می‌کند که بايد نظام بین المللی جدیدی جایگزین نظام فعلی شود. ویژگی اصلی این نظام جدید نباید آن است؟ اینکه بتواند هرج و مرگ حاکم بر روابط بین الملل را چاره کند. این آنارشی زیاده نظام بین المللی دوره پس از قرارداد و استقلال (۱۹۴۸) است. قرارداد و استقلال نقش دولت‌های دارای حاکمیت را به عنوان بازیگران اصلی روابط بین الملل به رسمیت شناخت. پس از آن دو مفهوم حاکمیت و دولت این همانند ییدا کردند. می‌توان به مدل و استقلال برای روابط بین الملل این بار گذشته مثبت نکرد. در مورد بسیار استثنایی، قابل خردش دار شدن نیست. این نوع استقلال استقلال دولت‌ها از هرگونه اقدار خارجی یا بین المللی را توجیه می‌کند. از سوی دیگر، مدل و استقلال خواه ناخواه روابط دولت‌ها را در یک حالت شبیه طبیعی باقی نگاه می‌دارد.

البته این مدل کامل‌داست نخورده باقی نماند و از اواخر قرن نوزدهم میلادی به تدریج اصلاح شد. به طور مثال، نقش سازمان‌های بین المللی و فراملی در نظام بین الملل پذیرفته شد. به این ترتیب، حرکت‌هایی در جهت انتقال نظام بین المللی از حالت طبیعی به یک جامعه مدنی صورت گرفت. معنی می‌دهد، به عقیده گروهی از نظریه‌پردازان حقوق بین الملل و روابط بین الملل، که در مقاله‌های خاص به آنها خواه‌های ویژگی‌های این دوره جدید و مشخص کردن خطوط اصلی آن است. به عقیده آنان، ویژگی اصلی این مرحله جدید گسترش جاری جمهوری دموکراتیک و حقوق بین الملل، که در مقاله‌های ویژگی اصلی این مرحله جدید و مشخص کردن خطوط اصلی آن است. این تحول بین‌داده با نام‌های گوناگونی باید می‌شود. مانند مدل جهان شهری دموکراتیک (دیوید هلند)، فرهنگ جدید قرون وسطایی (هادلی بال)، جامعه مدنی جهانی (اسکات تورن)، عصر پسا دوستگرایی (جان هافمن)، دنبای پساملی (یورگن هابERMAS)، نظم گرایی جهانی (ریچارد فالک).
و تحولات پس از پایان جنگ سرد قرار دارند و به دنبال یافتن طرحی نو برای شرایط جدید هستند. آنها نه تنها دولت را موضوع اصلی مطالعه، روابط بین الملل تلقی کنند، بلکه بالاتر از آن از ضرورت قرارداد را یک نظام جهانی شهری ساخته می‌گویند و چنین مدلی را برای حل مسائل پیچیده دنبال امور مناسب‌تر تاریکی می‌دهند. این ظرین تصور دو تأیید برای این است که به پژوهش‌های اخیر گذارده است. نخست، آن دیدگاه‌هایی را که معمولاً به اهمیت نخست دوست ها در روابط بین الملل تأکید دارند، در موضوعی تدافعی قرار داده است. از جمله این رواج‌ها می‌توان از مکتب‌های رئالیسم و رئالیسم نو نام برد. دوم، موج جدید توجهه‌ها را دوباره نسبت به آن دست از نظرهای قدمی در روابط بین الملل برانگیخته است که ابعاد جهان شهري‌دارد. به صورتی که اکنون این نظرهای دوباره مطرح شده‌اند.

در مقاله حاضر افکار یکی از نظریه‌پردازان اولیه تفکر جهان شهری یعنی امانوئل کانت بررسی می‌شود. کانت طرح مشخصی را درباره نظام بین الملل را ارائه داد. در این مقاله ابتدا تصویری از اندیشه‌های کانت درباره اساس و جوهر روابط بین بین الملل ارائه می‌شود و در سایه آن اصول سیاسی کانت بیان می‌شود. سپس نوآوری‌های فرانکسی در این دیدگاه‌ها در بخش بعدی مقاله بررسی می‌شود. فرضیه اصولی مطرح شده در مقاله آن است که فرانکسی گسترشی از کانت‌گرایی در روابط بین الملل محسوب نمی‌شود، بلکه زائده بست انگلیزی‌ها کانت درباره صلح جهانی است.

الف) کانت‌گراپی و پیش‌شرط‌های نظام بین الملل

ا) بیوسکی سیاست خارجی و فلسفه سیاسی کانت

مهم ترین رساله کانت در زمینه روابط بین الملل "صلح پایدار" نام دارد. این رساله در اواخر سال 1795 میلادی منتشر شد. شاید تراتسیوی استادانی که کانت در عنوان این رساله به کار برده بهترین گواه بر ماهیت تفکر وی در سیاست خارجی باشد. این عبارات آلمانی را به آسانی نمی‌توان به سایر زبان‌ها برگرداند. زیرا معناپی جند پله دارد
و آن را می‌توان دست کم به سه صورت زیر ترجمه کرد: «درباره صلح پایدار»، «به سوی صلح پایدار» و «در صلح پایدار» به معنی صلح و آرامش گورستانی. اگر هر چند از این معناها را برگردانده قضاوت محل متفاوتی پیدا می‌کند. اگر نخستین برگردان عبارت صحیح باشد، آنگاه این طور برداشت می‌شود که هدفی که نگارش این اثر تبیین ارائه کننده صلح پایدار و دائم است. در مقابل، جمله دوم معنای عمل گزارانه‌تر دارد و نشان می‌دهد که قصد کاست در واقع یک قصد عملی است؟ یعنی این می‌خواهد دیگران را به پذیرش ایده صلح پایدار ترغیب کند؟ در حالی که از سومین برگردان می‌توان این طور فهمید که به نظر کاست اگر صلح راستین حاصل نشود، در آن صورت باید انتظار آرامش گورستان یا به عبارت بهتر مرگ و نیستی برخیت را داشته. به گمان گنازند به هر سه این اهداف نیست می‌کرد. اما در اندیشه‌ان آن بود که هم‌مان و در قلاب یک مقاله خطوط اصلی یک نظر جهانی صلح آمیز را ترجمه کند و در عین حال دیگران را به پذیرش آن طرح خواهد نسبت به عواقب منفی داده گرفتن چنین طرحی هشدار دهد. با این توجه داشته که کانت، همانند بسیاری از نظرهای بردازش معاصر، سرنوشت کشورها را انتخاب در چارچوب ملی - سراسری معنی‌اندازه‌ای که قابل تعیین نمی‌دانست، بلکه تا حدود زیادی آن را وابسته به شیوه نظیر حاکم بر جهان می‌دانست، اما مسئله این است که در آن صورت چه رابطه‌ای میان سیاست داخلی و سیاست خارجی کشورها با نظم بین‌المللی وجود خواهد داشت؟ باسحقگویی به این پرسش یکی از دغدغه‌های اصلی کانت را تشکیل می‌داد. اما موجه در این نکته بود که بین سیاست داخلی و سیاست خارجی کشورها پیوستگی وجود دارد. یکی از اشتباهات مرسوم در میان رئالیست‌های روابط بین‌الملل آن است که معمولاً خط سفت و سخت میان امور داخلی و امور بین‌المللی کشورها می‌کشند و امور مربوط به حیطة اجتماعی و شرایط داخلی را از عرصه بین‌المللی کاملاً جدا می‌کنند. اگرچه این مذهبی همچنان در آرا کاست مشاهده می‌شود و اتفاقاً او بر ضرورت حفظ آن به شدت تکیه دارد، ولی در عین حال از ضرورت سنگین نظام داخلی و نظام بین‌المللی به وابستگی این دو نیز سخن می‌گوید. همانطور که یکی از کاست‌ها از معاصران اشاره می‌کند، اوصافی که کاست برای یک ثبت معقول سیاسی در
کانت گراپی، فرا کانت گراپی و ...

می‌کند. (۴) زیرا کانت شرایط لازم را برای استقرار صلح در داخل یکی کشور و عرضهٔ

بین المللی یکسان می‌داند. در نتیجه، با گرته برداری از تریبونات داخلی جمهوری‌های

دموکراتیک، می‌کوشد راهحلی برای هرچه و مرجع حاکم بر روابط بین الملل پیدا کند.

بدون شنایخت انديشه‌های سياسي کاست درک نظراتش درباره امور بین المللی ممکن

نیست. زیرا هر دو دارای اصول مشابه‌اند. به همین دلیل در ابتدا به‌طور اجمالی دربارهٔ

اندیشه‌های سیاسی وی صحبت می‌کنیم. انسان محور اصلی اندیشه سیاسی کاست را تشکیل

می‌دهد. اگر انسان را یک "غايت" می‌دانند، نگاه کاست به انسان اصلاً یک نگاه ابزاری

نیست. به عقیده او انسان‌ها نیاز به صورت ابزاری در خدمت اهداف دیگران قرار

بگیرند، بلکه در نفس خود گاپی‌های محصول می‌شوند و برای دو جهت کمال خویش

بکوشند. به همین منظور، در کتاب "نبیان مابعد الطبعه اخلاق" این حکم مشهور را بیان

می‌کند: "چنان رفتار کن تا بشریت را چه در شخص خود و چه دیگری همیشه به عنوان

یک غایت به شمار آوری، و هنگامی که همواره وسیله،"(۵) بر طبق چنین طرف

فکری انسان بر دولت مقدم است. کاست این حکم را به امور خصوصی و فردی محدود

نمی‌کند و آن را درباره گستره عمومی نیز صادق می‌داند؛ آن‌ها که می‌نوید:

"این فکر مه‌دات خرده‌مند ذاتی است که با یک خود را از راه آمیزه‌ای

رفتارش و قانون عموم بهباد تا از این دیگر به درباره خویشتن و

کاری‌ها یک داوری کند، خود به فکر دیگری می‌انجامد که وابسته به نشان و

بیمار سودمند است. می‌گوید فکر مملکت غایات. مقصود از مملکت

[غايات]. پوستگی‌های منظم ذاتهای خرده‌مند گوناگون به وسیله

قوانین مشترک است. چون غایات از حيث اعتبار عام خود به وسیله

قوانین مشترک تعیین می‌شوند."(۶)

به این ترجمه، بنابر اندیشه‌های کاست همه‌های ذاتهای خرده‌مند پیرو این قانون هستند که

هر یک از آنها با یک خویشتن و سایرین هم همچون وسیله‌ای ساده، بلکه به عنوان غایاتی

مستقل رفتار کند. کاست از این مقدار فیلسوف نظریه‌ای درباره حق را استنتاج کرد. به‌گمان

مفهوم حق شالوده نظریه سیاسی کاست را تشکیل می‌دهد.(۷) از این را امری طبیعی


خردوز بر اساس یک روبه‌روی قضایی صاحب حق نمی‌شود، بلکه فی نفسه و از آنجا که دارای خرد می‌باشد، دارای حق است. کانت بیه مین ترتیب، اصول مربوط به آزادی فرد و قانون را از عقل استنتاج می‌کند. از این دیدگاه انسان‌ها به دلیل خردوزی دارای آزادی ذاتی هستند و نیز می‌توانند قواعد عام اخلاقی را بین خود برقرار کنند. بر این اساس، کانت چنین استدلال کرده که تجاوز به آزادی و دارایی دیگران به منزله نقض اصل انسانیت و افراد دیگر از جنبه متناژ است و «کسی که حقوق مزه‌رمان را زیر یا می‌گذارد چنان است که از سایر اشخاص فقط به منزله وسیله استفاده می‌کند.» (8)
که با آن زمینه‌های لازم برای درگیری‌های بعدی از مبانی برده نشده باشد، اصلاً صلح نیست و صرفًا متارکه است. زیرا مفهوم صلح عیقب‌تر از فقدان وقت خصوصه می‌باشد. صلح واقعی به رقابت‌های خصوصه آمیز پایان می‌دهد و در جارچوب آن مردم و دولت‌ها می‌توانند به نحو مسالمت‌جویانه اختلافات خود را حل و فصل کنند. این وضعیت حالت موقتی و برگشت پذیر ندارد، با وجود گذشته بیش از دو قرن از انتشار رساله صلح پایدار هنوز چنین صلحی در سطح بین‌المللی برقرار نشده است. از این موضوع می‌توان به دو توجه‌گیری کاملاً متفاوت رسید. از یک سو، رتایی‌ستها چنین توجه‌گیری می‌کنند که عدم تحقق چنین صلحی در لیل بر خیالی بودن است؛ در حالی که از دیدگاه ایده‌آلیست‌ها و هواداران تفکر جهان‌شیری‌دموکراتیک این امر بین‌گذر آن است که هر این مناسبات بالقوه قابل توجهی در آرا و اندیشده‌های کاست وجود دارد که می‌تواند بین‌المللی نظام‌های جدید قرار بگیرد. به یک جانبه، مورگن‌تا به درستی نظریه کاست و همگان وی را جزئی آن دسته‌ای از نظریها قرار داده که در پی یافتن بدلیل‌های برای جنگ و هرج و مرج بین‌المللی استندند و می‌خواهند از طریق تقویت نهادهای بین‌المللی به این هدف دست پیدا کنند. مورگن‌تا روش این روشکرد را صلح بسازی از طریق ایجاد «محدودیت» نامیده‌است.\(^{10}\)

روح صلح طلبی و تلاش برای یافتن راه‌های وحدت اختلاقي بشریت سابقه‌طلواني دارد و ریشه‌های آن را می‌نوا میلیکان افکار رواپیون در چرودن کرد. روآپیون از جمله میلیکان ایده‌های جهانی به دنیا، ولی تلقی جهان نهایی در نظر که منتای خاصی پیدا کرد. که در آن ملت‌های اصلی قابل بود. در نظر که منتای یکی از اجزای سازنده نظم بین‌المللی را تشکیل می‌دهد. به علاوه، حفظ موقعیت دولت‌ها برای حفظ صلح حیاتی است. زیرا دولت مهم‌ترین شکل نهادی است که در جارچوب آن عدل و صلح ماستر قیو که. همینطور، احترام به حاکمیت ملت‌های پیش شرط‌تداوم صلح است. کدی که در اسلام اعلام ملت‌های به «هم‌دربی نمایش داده نمی‌تواند به زور در امور حکومت و امور یک متک‌ش روابط به قانون اساسی کشور دیگری دخالت کند»\(^{11}\) به سخنی، کدی بر این باور بود که کار ویژه اصلی نظم بین‌الملل حفظ صلح میان دولت‌های هم‌نظر است.
(3) دموکراسی‌ها با هم نمی‌چینند

از سوی دیگر، کانت به تاریخ سیاسی دنیا و نظام‌پردازی‌هایی که به وسیلهٔ حکمرانی ملی‌های دیگر قطعه‌هایی از جمهوری باشند و بر طبق اصول جمهوری‌خواهانه اداره شوند، در صورتی که شالوده سیاسی این‌کشورها برخاسته از قانون باشد و دانسته‌های انتخاب‌ی از زمینهٔ امور مورد را به دست داشته باشند، احتمال بروز جنگ به شدت کاهش پیدا می‌کند. زیرا دموکراسی‌ها با هم نمی‌چینند، از اواست دهه ۱۹۸۰ میلادی این رأی کاتینی که جمهوری‌های آزادبخواه با هم درگیر نمی‌شوند مورد توجه هواواداران نولبرال کانت قرار گرفت و نظریهٔ «صلاح دموکراتیک» را به بار آورد. اینان از «هژمونی لبرال» جای خوددادی می‌کنند و معتقدند که کانت با دفاع از ضرورت استقرار جمهوری‌های دموکراتیک در واقع مدافع طرح «هژمونی لبرال» بوده است. این نظریه‌پردازان نولبرال چنین استدلال می‌کنند که دولت‌های دموکراتیک، می‌تواند به حمایت از صلح دارند.

بر همين اساس، يکي از هواواداران صلح دموکراتيک بنام اينسبر ویرت‌گستر شد. دموکراسی را مهم‌ترین پيش شرط توسعي صلح جهاني مي‌دانند. ویرت جمهوری‌ها را به دوگرو تقسيم مي‌كند. جمهوری‌های دموکراتيک و جمهوری‌های يكگاريكي. به باور او دولت‌ها يا از دوگروها صلح جهاني را وريست داري اين يكگاريكي. به همين‌طور که دولت‌هاي الگاريكي درهيچ‌حال يكگاريكي هستند. يكگاريكي دنبالي مي‌كنند. جنگها اصولاً بين دموکراسی‌ها و الگاريكي‌ها درگير مي‌شود.

ویرت ريشه اين گرايش‌ها را در فرهنگ سیاسی كشورها جستجو مي‌كند. به نظر او تساييل و سازش به‌ديل جزء ويزق حاکم‌هاي عمده‌ي فرهنگ‌هاي سياسي جمهوري‌خواهانه‌ي دموکراتيک است. بنابراین جمهوری‌هاي دموکراتيک بيشتر ترجيح مي‌دهند که به‌.Fatalf از تفاوت‌های خود از ابزار مذاکره و گفتگو استفاده کنند. جمهوری‌هاي دموکراتيک رژيم‌های از نوع دموکراتيک خودي محصور مي‌كنند و با الگاريكي‌ها سر نا‌زاگاری دارند و به همين دليل به سرعت روان‌هاي آنها قرار مي‌گيرند و در اغلب موارد رژيم‌های
یکی دیگر از نولیبرال‌هایی که بال‌گردن به نام ماکیاکی، دویل از رأی صلح دموکراتیک، طرفداری می‌کند. به عقیده‌اش، دویل در عصر حاضر با توجه به افزایش شمار دولت‌های نارضایتی حقوقی، انجمن‌های فدرالیسم صلح جویی مشتمل بر جمهوریان دموکراتیک‌بوده، می‌توانند به مراقبت بیش از دوران‌های کم‌جمله‌ای صلح دموکراتیک بی‌خسارت باشد. بر این دیکتاگاه سیاسی نوکاتی دست‌کم دو ایران وارد به است. نخستین انتقاد جنبه آماری دارد. بر طبق آن، جنون تعداد دموکراتیک‌ها در طول تاریخ محدود بوده است، هنوز به لحاظ آماری حد نصاب لاکچری برای اتحاد اینکه دموکراتیک‌ها با یکدیگر نمی‌جنگند، احراز نشدید است. دومین انتقاد به منطق خود نظریه مربوط می‌شود. شواهد تاریخ بیانگر آن است که در اغلب موارد رژیم‌های دموکراتیک ممکن است نا آستانه جنگ با یکدیگر بیشتر بروند، ولی در اینجا به دلیل ملاحظات راهبردی و متعابن، سیاسی و اقتصادی و به دلیل وجود فرهنگ سیاسی مشترک از درگیری منصرف می‌شود. اصولاً اشکال رأی صلح دموکراتیک به طور اعم و نظریه ورث به طور اخص این است که جوان تمام توجه خود را به بیان نقش فرهنگ سیاسی معطوف کرده از سایر بدلیل های تبیینی غافل می‌ماند. 

کانت این رابطه دموکراتیک بین دولت‌ها را در سطح فدرالیسم مطرح می‌کند. او به هنگام بحث درباره فدرالیسم (سال ۲) بر این نکته تأکید می‌گذارد که حق ملّت‌ها بر پایه ایجاد فدرالیسمی مربک از دولت‌های آزاد شکل می‌گیرد. (۱۲) به این ترتیب، او اساس قدرت مشروطه را به چارچوب ملی محدود کرده‌است که بلکه آن را به چارچوب فدرالیسمی گسترش می‌دهد. به این ترتیب، با شکل‌گیری فدرالیسمی دولت‌های آزاد عرضه روابط انتقال از حالت طبیعی بیرون می‌آید و شکل یک جامعه مدنی زیر سلطه قانون را پیدا می‌کند. در اینجا دیگر پیروزی در جنگ تعیین‌کننده حق نیست. (۱۲) بنابراین، کانت وجود یک رابطه قانونی مؤثر در میان دولت‌های مستقل را برای ایجاد یک ساختار عادلانه و صلح‌آمیز بین المللی ضروری می‌دانست. برخان کانت این بود: تا زمانی که نظام قانونی عادلانه همه دولت‌ها را شامل نشود، به کارگیری زور برای دفاع از خود در برابر متجاوزان قانونی شکن گریزناپذیر خواهد بود.
۳) تفکر جهان شریعی گرد

شاهران لیبرال و ایضاً رتالیست کانت در گذشته بیشتر به سطح ۱ و سطح ۲ نظریه وی در زمینه روابط بین‌الملل توجه داشتند؛ یعنی بحث مربوط به دولت مشروطه و مکمل آن فدراسیون دولت‌های آزاد را در نظر می‌گرفتند و به سطح ۳ یعنی حق شهروندی کمتر اعتنا می‌کردند. اخیراً این سطح سوم بیش از دو سطح دیگر مورد توجه قرار گرفته است. این تحول تا اندلؤزی به ظهور دیدگاه‌های فراکاندگی یا مربوط به شورکی و دینگاه‌های جهانی در قبال انواع المدل‌های جهانی شریعی دموکراسی و نظرات مربوط به جامعه مدنی جهانی نمود یبداکردند.

کانت به هنگام اشاره به سطح ۳ در رساله صلح پایدار صریحاً این نکته را یادآور می‌شود که قصدش از اشاره به بعد جهان شریعی تنا دستیابی به اهداف بشریتستانه نیست، بلکه می‌خواهد نشان دهد که حق در بعد جهان شریعی آن نیز مطرح است. بنابراین، بیگانه نیز دارای حق است و باید از این حق برخوردار باشند که مورد خصوصت یا دستمنی قرار نگیرد. (۱۵) به عبارت دیگر، عضویت فرد در جامعه جهانی حکم موسی کند که مورد احترام قرار بگیرد و شنونه و حفظ شود. کانت این حق کلی را به حق هر انسان نسبت به کره زمین که در آن زندگی می‌کند، منتسب می‌داند. به گمان او، همانطور که خاک هرزوری یک زمین عالمی قابل خرید و فروش نیست، (۱۶) حق فرد نسبت به کره خاکی که در آن به سر می‌برد نیز قابل سلب نمی‌باشد. در نتیجه، هر فرد به خاطر اشتراکی که در این زمینه با سایر افراد دارد، با آنها دارای حقوق مشترک جهانی شهری است. (۱۷)

کانت استدلال خود را تا آنجا امتداد می‌دهد که بگوید «مردم جهان به درجات مختلف به جامعه جهانی وارد شده‌اند و این جامعه جهانی تا بانگاهی توسیع پیدا کرده که نقض حقوق افراد در یک جا در همه جا احساس شده زد». (۱۸) به این ترتیب، در نظره کانت مفهوم حق از یک مکان جغرافیایی خاص (جامعه ملی) آغاز می‌شود و تا سطح جهانی گسترش می‌یابد. استقرار حق در سطح ۳ به معنی پذیرش جامعه مدنی جهانی است. در این حالت از مفهوم حق مکانی دیپلماتیک می‌شود و فرد به عنوان یک
در وسیع‌ترین شکل آن مطرح می‌گردد.

کاحت نسبت به استقرار چنین نظم جهانی خوش‌بین بود؛ اگرچه استقرار آن را آسان نمی‌دانست. زیرا اولاً چنین نظمی را با سرعت انسان منطبق می‌دانست و ثانیاً مسیر تکاملی انسان‌ها را در جهت تحقق آن می‌دید و آن را مطابق حکم عقل می‌دانست. از این لحاظ، کانت به تحویل تدریجی اعتقاد داشت. اما همانند بسیاری از هم‌عصرانش چنین تصویر می‌کرد که تحویل تاریخ و فرهنگ بشری با گذار از برخی با مدنیت همراه است. این مدت در سطح ۳ به صورت استقرار حکومت قانون و برای افراد دارای شان و استقلال، در سطح ۴ به صورت تأسیس فردانی ای‌یا دانه‌ای آزاد برای خانه دادن به جنگ، در سطح ۳ به صورت تکوین شهرهنگی جهانی نمود تاریخی‌پی‌دا می‌کند. همان‌گونه که اگر دولت نمی‌تواند با اجبار فرد را از حقوق سیاسی خود حرم کند، یک دولت نیز نمی‌تواند به بهانه ایجاد امریکا روز از روز خورده با سایر دولت‌ها تحمیل کند و آن را تحت انقیاد و سلطه خود در آورد. بنابراین، کانت به طور تلویحی از سیاست‌های امپریالیستی انتقاد می‌کند و عاقبت آن را شوم می‌داند. در عین حال، در این نظریه فرد یک شهرهنگی جهانی است و نمی‌توان از یک رشته حقوق محروم کرد.

(ب) تفکر جهانی و انديشمندی فراگانت‌گرا

۱) زمینه‌های کاننی

به طور کلی، هدف اصلی کانت استقرار و تثبیت موقعیت حق عمومی بود. به گمان وی این امر مستلزم سپری شدن یک روند طولانی و پرشیب و فراز است، اما بايد توجه داشت که مقصود کانت از بیان آرمان‌های جهانی شهري‌های ایجاد یک دولت جهانی بود و نه یک ناکجا‌آباد آثارشیستی که در آن دولت‌ها از مبان برداشته شده‌باشد. به عبارت دقيق‌تر، این آرمان بيشتر به امید یا وعادی‌ها شهایت دارد که در آن حقوق فرد از مرزهای کشوری قرار می‌روید، ولی در چارچوب قوانین و قدرت‌های اجرایی دولت‌های موجود پذیرفته می‌شود. این انتظار کانت به تفصیل درباره حق جهانی شهري بحث نمی‌کند و فقط به مواردی مانند حکمت آزاد انسان‌ها و کالاها اشاره می‌کند. با توجه به توسعت نیافته‌گی
عجیب نیست، ولی او دستکم اصول کلی جهان شهری را به رسمیت شناخت.

در سالهای اخیر برخی از نظریه‌پردازان این ایده‌ها کانت در زمینه سیاست بین‌المللی را دست مایه قرار داده‌اند و با انجام اصلاحاتی آن را گسترش داده‌اند. قانون صلح کانت قابلیت چندین گسترشی را دارد. آنچه در مورد نظریه کانت اهمیت بسیار دارد، آن است که اولاً روابط بین دو جیزی فراتر از روابط کشورها است. ثانیاً، باید مسائلی در ابعاد جهانی آن در نظر گرفت. به علاوه، با وجود آنکه طبق نظریه کانت رابطه بین کشورها ویژگی اصلی روابط بین دو جیزی فراتر از روابط کشورها است.

در ابعاد جهانی آن در نظر گرفت. به علاوه، با وجود آنکه طبق نظریه کانت رابطه بین کشورها ویژگی اصلی روابط بین دو جیزی فراتر از روابط کشورها است.

از سوی دیگر، نظریه کانت مشتمل بر دیدگاهی بود که اندیشمندان رئالیست و رئالیست نوکمتر به آن توجه دارند. اینکه حوزه روابط کشورها عرضه تغییر و تحول است و باید به طور فلسفی درباره ماهمیت تغییر اندیشید. به عبارتی، طبق این استدلال روابطی که در یک دوره حاکم بوده، حتی ناباید در دوره بعد نیز حاکم باشد. در کنار آن، باید درباره امکانات بین‌المللی جدیدی که به طور بالقوه وجود دارد و می‌تواند بالفعل شود نیز اندیشید. بنابراین، کانت فاکتهای اصلی روابط بین دو جیزی فراتر از روابط کشورها اختیاری کانت در زمینه قانون جهان شهری را باز نگاه می‌دارد. اگرچه کانت امکان ایجاد یک «جامعه جهان شهری» با «حکومت جهانی» را به دلیل ناسازگاری آن با حکومت کشورها متفقی می‌دانست. با این حال، تفکر جهان شهری را به عنوان بدل مطرح می‌کند. در نهایت، بروزه سیاسی کانت یک پروژه اخلاقی است و این هدف را در مقياس جهانی دنبال می‌کند. از اینرو، موافق نگرش جهان‌گرا است.
از نظرات کانت را فراهم آورده است. همان‌گونه که چارلز کاول اشاره می‌کند، نیت کانت از به بحث گذشته قانون جهانی شهری ایجاد یک چارچوب حقوقی مناسب برای تسهیل مراودات افراد و دولت‌ها و گسترش تجارت آزاد در حیطه بین‌المللی بود. (۲) این ایده به طرحی که برای صلح جهانی درون ماهی لیبرالی به خشیده. بنابر استدلال، کانت گسترش تجارت بین کشورهای جهان خوب است و باید توسط همکاری‌کنند. زیرا موجب تقویت گراشیهای مسالمت‌آمیز در بین آنها می‌شود. البته نظریه‌پردازان فراکانتگااندیشگی جهان شهری خود را به این سطح لیبرالی محدود نمی‌کنند و دامنه آن را وسعت می‌دهند؛ به صورتی که جنگ‌های دیگری از زندگی معاصر را نیز شامل می‌شود. به هر حال بسیاری از این تحولات در اواخر قرن هجدهم میلادی برای اندیشمندان قابل تصور نبوده است. گذشت از این پردازش‌ها، برخی نظریه‌پردازان فراکانتگااندیشگی به لحاظ فکری و مسلکی جزء متفقین لیبرالیسم و لیبرالیسم نو محسوب می‌شوند و شما در از پیش فرض‌های سیاسی کانت را مدرود می‌دانند. با این حال روش کانت را برای گذر از سطح ۳ ملاک مناسبی برای تدوین یک نظریه فراکانتگااندیشگی درونی روابط بین‌الملل تلقی می‌کند. برخی از این افراد عبارتند از دیوید هدل، آندرو لینکلنر، مایکل دوبول، جان مولر، یورگن هابرماس، لیتا بریلمایر و غیره. این به جناب‌های فکری مختلف تعلق دارد.
با یکدیگر باشند. (۲۱)

این تقیسیم بندی لینکلن بیانگر یک صفحه نویسی عمده در نظرات جهان شهره میان دو دیدگاه اصلی است. یک دیدگاه به پروری از کانت نظام حاکمیت مبتنی بر ملت-دولت‌ها را دست می‌کند تا آینده قابل پیش‌بینی باقی می‌ماند. یکی از شاخص‌ترین اعضای این گروه دیوید هلد است. او در یکی از آثار اخیرش این گونه اظهار نظر می‌کند که «رویگذگی نظام بین‌المللی چنین حکم می‌کند که نظام دولت‌های دارد حق حاکمیت همچنان پابرجا می‌ماند، ولی در عین حال به واسطه توسعه ساختارهای متکرقرد و اقتدار بیشتر و ضعیف‌تر می‌شود» (۲۲) از این دیدگاه می‌توان به عنوان روزیکرد ملائم تر در تفکر جهان شهری نام برد.

دیدگاه دیگر از یک روزیکرد تندتر پروری می‌کند و این ایده را مطرح می‌کند که در نظام بین‌المللی آینده نباید جایی برای دولت باشد و دولت باشد از مناسبتی بین‌المللی حذف شود. از این دیدگاه جامعه مدی‌جهانی نه مکمل دولت، بلکه یاگیریی برای آن محصول می‌شود. جان هافمن یکی از هاوران سرسخت این دیدگاه تندتر اخیراً در کتاب خود به نام «حاکمیت» این موضوع را مطرح کرده که در آینده تعریف مفهوم حاکمیت نباید بر مبنای نهاد دولت صورت گیرد. ام این احتمال را در نظر می‌گیرد که ممکن است در آینده دیگر حاکمیت در میان دولت‌های مختلف تقسیم شود، بلکه یک تلقی پاساژات‌گیرانه از حاکمیت تثبیت شود. به عقیده هاوران این دیدگاه دیوید هلد و سایر کسانی که از یک نگرش جهانی شهری دولت محور حمایت می‌کنند، به وجود تنش میان دموکراتیک خودگردان و نهاد دولت به عنوان نهاد دارای حق انحصاری استفاده از اجبار مشور واقعی، اما در عین حال فاقد مفهومی لازم برای ارائه تعريف دوباره از حاکمیت براساس اصطلاحات پاساژات‌گیرانه می‌باشد. نگرشی که بتوانند نقش مستقل کارگزاری‌های فراملی، انجمن‌ها و انرژی‌ها را کنترل ملتهای در ایجاد فراپندوم درک این تکنیک جهانی درک کنند. جان هافمن از کانت به خاطر آنکه توانسته از این سو به آن سوی ورطه موجود میان تفکر دولت‌گرا و پاساژات‌گیرانه نماید، انتقاد می‌کند. (۲۳)

در مجموع، گرامی‌ها یک پاساژات گرا این بخش فرصت را مطرح می‌کنند که ساختارهای و یکدیگر باشند.
دهد. به عقیده لینکلتر تحکیم این گستره عمومی فوق ملی یکی از زمینه‌های بدل‌آورندگی شهره‌‌نامه‌های دنیای جهانی است. این تأثیر تفکرات مکتب انقلایی از ضرورت ایجاد "جامعه‌های سیاسی" فوق ملی سخن می‌گوید که در آن رابطه گفته و شنویدی (دیالوکسی) برقرار باشد. به عقیده لینکلتر چنین تلقی گفته و شنویدی درباره شهره‌‌نامه جهانی در آثار کانت یافته نمی‌شود. (۲۴) کانت به هنگام بحث درباره طرح تفکر جهانی تنها به این موضوع اشاره داشت که مردم جهان جدا از اینکه به چه ملیت تعلق دارند، باید نسبت به یکدیگر رحم و دلسردی داشته باشند. کانت چنین وضعیت را از طریق برقراری یک جارچوب عام و جهان‌نمونه ارتباطی شدنی می‌دانست. لینکلتار از این فراتر می‌رود و از ضرورت تقویت تربیت‌های و جامعه‌سیاسی پس‌احکامی سخن می‌گوید.

در ایشان جامعه‌سیاسی جدید افراد از ملت‌های مختلف می‌توانند مجتمع شوند و دارای قدرت باشند. اگرچه کانت و لینکلتار در زمینه ایجاد یک حق فرمولی اشکال نظر دارند، ولی دانسته رواکرد لینکلتار و سیاست است. زیرا او درصد تأثیر جامعه‌ای بزرگ‌تر است که در آن امکان برقراری گسترش فراهم آمده باشد.

منطق رشد تفکرات جهانی معاصر از برخی جهات با منطق حاکم بر تفکرات دورانی که تفاوت دارد. تحلیل ساختاری مهمی در عرصه روابط تاریخی در حال انجام است. این تحلیلات درجه‌بندی که کسانی که در جهان حرکت می‌کنند. مهم ترین این عوامل برجی‌گز رازافزون تقسیم کار بین المللی است. از سوی دیگر، بحران مدیریتی نیز در این تحول نقش داشته است. مفهوم "تحلیل" دولت ملی اساساً ویژگی مدرن دارد. از لحاظ تاریخی نیز دولت به معنای دقیق آن خاص جوامع مدرن است. (۳۵) به موازات شکل‌گیری مفهوم دولت مدرن و ثبت آن در جارچوب فلسفه سیاسی، حقوقی و اقتصادی و اجتماعی، مفهوم جدید حاکمیت از قرن هفدهم میلادی رشد کرده است. بنابراین، می‌دانیم رشد اندیشه مدرن درباره دولت و ساختارهای دولت مدرن پیش‌گام وجود دارد. در دوره پاپ‌سوم، در دوره هر دوی این جنبه‌ها به یک معنی به‌دست نیمه‌انجام. از یک سو، اندیشه سیاسی مدرن با چالش‌های جدیدی مواجه شده است. از سوی دیگر، ساختارهای سیاسی دیوان سالارانه مدرن نیز با تدریج تغییر می‌یابند و شکل‌های جدیدی برای تحلیل، تعریف و تدوین می‌شوند.
در جوامع غربی مشاهده می‌شود. البته چنین نشنالیستی در حال حاضر در جوامع در حال توسعت کمتر مشاهده می‌شود، وی هواداران فراکسیون‌هایی معتقدند که تغییرات در این مسیر جنبه جهانی خواهد داشت.

به هر حال، به نظر می‌رسد که چالش‌هایی وجود دارند که می‌توانند در بر ار مدلی در عرصه تحولات ساختاری و مهمتر از آن در عرصه نظریه پردازی، در کنار روند جهانی، نقش به سزایی در رشد تفکرات فراکسیون‌ها و جهانشیرازه داشته باشند. به جز میزان نظام‌های دولتی مدنی و سنتی در حال گذار به مدرن رشد به‌یکدی و بر مبنای انطباق با محیط بازاسازی شوند، در آن صورت اندیشه چه جهان شهرگرایی عقب‌گرد خواهد کرد و مجال کمتری برای عرض اندام ییدا خواهد کرد و بیشتر در حد یک مدل سیاستی فکری باقی می‌ماند. بر عکس، در چندر ساختارهای سیاسی ـ اجتماعی مدرن بیشتر دگرگونی شود و فرصتی برای آزمودن شکل‌های سیاسی متفاوت و پسادرند فراهم آید و به موازات آن مفهوم حاکمیت استحاله پیدا کند، در آن صورت مجال باز هم بیشتری برای طرح دیدگاه‌های فراکسیون‌ها وجود خواهد داشت.

در نظر گرفت که طبق آن ساختارهای سیاسی ـ اجتماعی به شکل مدرن باقی بمانند، وی در کنار آن شرایط لازم را برای تحول کلی در ایده حاکمیت و تشییع ایده‌های جهان شهرگرایانه فراهم آورند. این امر مستلزم تحولات شناختی و هستی شناسانه در اندیشه مدرن است. دست کم از لحاظ نظری نمی‌توان این راه سوم را متفق دانست. هواداران نظرات بازتابی مدل (۲۳) از این راه سوم حمایت می‌کنند.

به نظر می‌رسد، دیدگاه فراکسیون‌گرا به دنبال ارائه گفتمان جدیدی درباره حاکمیت است. بر اساس آن است که شکل یکدیگر مختلف قدرت و داشت به انگارش‌ها گوناگون درباره دوست و حاکمیت می‌انجامد. از این رو، مفهوم حاکمیت دولت یک مفهوم ثابت و گداشتن‌سنجی نیست، بلکه مانند سایر مفاهیم و نهادهای سیاسی در طول زمان کارورزه، توانایی‌ها و شکل مشروطیت تغییر بیدا می‌کنند. (۲۴) این تحولات در انگاره حاکمیت را به طور عینی می‌توان به خصوص در دو زمینه دخالت‌گرانه بین المللی و مجازات نقض‌کنندگان هنجارهای حقوق بین‌الملل مشاهده کرد. از دیدگاه تاریخ‌نامه‌نگرینه
محاکمه جنایی‌کاران جنگی و متعه‌مان به انجام کشتارهای جمعی و نسل‌کشی در بوسنی در دادگاه بین‌المللی لاهه بیانگر تحول در رابطه دانش و قدرت و بازتاب آن در گفتگوی حاکمیت می‌باشند. از این دیدگاه تحول صورت گرفته جنبه مقدماتی ندارد، بلکه به رشد تنوع و پربرده‌شدن مناسبات بین‌المللی مربوط است. افراشی انتخاب نهادی و فرهنگی متابع جدیدی را برای نظام جهانی بدرد می‌آورند. به هر میزان دامنه این ارتباط‌های فراملی افراشی، پیش آنکه گفتگوی جهانی بدرد تقویت می‌شود.

شاید بتواند دو ایراد عمده بر نگرش جهانی فراکاتی وارد آورد. تخمین ایراد آن است که این روندی از انقلاب تشکیل دهنده آن را در شکل دادن و توسعت روابط بین‌المللی نادیده می‌گیرد. این امر باعث شده که به نوعی نگاه شبه‌تاریخی گرایش اقتصادی میرود و تحول را صرفه بیشتر آنکه تحول است، تأیید کند. این موضوع به خصوص به هنگام بحث درباره آزادسازی تجارت جهانی کامل آشکار است. فراکاتی گرایان لیبرال در آثارشان کمتر اشاره‌ای به منافع فراملی‌ها و شرکت‌های بزرگ و بهره‌برداری آنها از فرآیند جهانی شدن اقتصادی می‌کنند و حتی برخی از آنان به گونه‌ای سخن می‌گویند که گویای یک فرآیند جبری است و همه از آن به یک اندازه سود می‌برند. فراموش کردن نقش قدست در روابط بین‌الملل باعث ایجاد راهنمایی در است.

ایراد دیگری که می‌توان بر نگرش جهانی وارد آورد این است که درک دقیقی از هویت‌های تاریخی ندارد. اگرچه مفهوم حاکمیت یک مفهوم نسبتاً جدید است، ولی مفاهیم ملت و ملیت ریشه‌هایی به مراتب عمیق‌تری دارند و تفکر جهانی شهرونه‌ها توانست به آسانی گسترش یافته باشد. در غیر اینصورت حتی ممکن است در معرض نابودی قرار گیردند. با این حال، در صورتی که تأکید بر منافع بشری گسترش پیدا کند و نیروهای فراملی تقویت شوند، احتمال توسعه گفتگوی جهانی شهرونه‌ها بیشتر خواهد شد. به هر حال، چنین گفتگوی دیگر حاکمیت و دولت را یک چیز تصور نمی‌کند و برای حاکمیت ابعاد جدیدی را در نظر می‌گیرد. این گفتگوی نازه‌ها در حاشیه قرار دارد و رشد آن به میزان ارتباط و سنجش بانوان راه‌یافته و منابعی برای داد
نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد، فرآکانت‌گرایان محصول گسترش عرصه روابط بین الملل در سال‌های پایانی هزاره دوم میلادی و شبه‌های شدن روابط بین الملل می‌باشد. افزایش وابستگی متقابل کشورها، تحول در نقش بازیگران صحت‌بخشی المللی، گسترش مراوده‌های اقتصادی و فرهنگی، پیدایش مهاجرت و مسافرت، توسعه تکنولوژی اطلاعات و شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت به تدریج این احساس را پدید آورده است که تحول بزرگی در سطح جهانی در حال انجام است. این تحولات و تجربه‌های جدید موجب شده که به قول مارک آلبرو این پاور به وجود آید که می‌توان مفاهیم قدیمی را به شیوه جدیدی درک کرد. (۲۸) به تعان، گروهی از نظریه‌پردازان با طرح این ادعا که عصر تاریخی نوین آغاز شده است، درصد ارائه نظریه‌های برای توضیح این تحولات برآمرده‌اند. فرآکانت‌گرایان محصول چنین فعل و اعمال هایی است، نظرات کاندید نشان دهنده صلح جهانی سرجامی‌های این نگرش جدید است. نوساناتی بین دولت و جهان شهر به فرآکانت‌گرایی اجازه داده که به دیدگاه‌های پرسا حاکمیتی تبدیل شود. به هر حال، کانت در نهایت یک متفکر عمیکر بود و برخلاف نگرش‌های ناسینونالیستی مرزهای جغرافیایی را محدود کنده‌نی دانست. همین طرز فکر یکی از سرجامی‌های فلسفی فرآکانت‌گرایی معاصر و هواداران تفکر جهان شهری محصول می‌شود.

یادداشت‌ها:

۱. جامعه مدنی به مفهوم عام کلمه مشتمل بر جمعی از مردم است که اعضای آن به طور هم‌هانگی اهداف و مقاصد جدایگان خود را دنبال می‌کنند. از این رو، نمی‌توان جامعه مدنی را صرفاً انجمنی از افراد دانست که برای دستیابی به یک هدف مشترک و واحد سازمان داده شده است. به علاوه، جامعه مدنی دست ساخته دولت نیست، بلکه هریک مستقل دارد. برای آشنایی با چنین تلقی از جامعه‌مدنی و کاریست آن در مورد روابط بین الملل رجوع شود به: Michael Donelan, Elements of International Political Theory, Oxford: Clarendon press, 1992, pp. 59-60.
کانت گرایی، فراکنتر گرایی و ... ۲۸۳

گاری مدرسون، اقتصاد سیاسی جامعه مدنی، ترجمه فدرد احمدیان، تهران: نشر سفیر، ۱۳۷۸، ص ۲۵۲.

۲. و.‌پ. گالی، فیلسوفان جنگ و صلح، ترجمه محسن حکیمی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۲، ص ۱۲۷۲؛ کتاب عبارت «صلح پایدار» را از روی نوشته‌های که بر تأثیرات اعلانات یک قهوه‌خانه نصب شده بود، عاریت گرفته. در کتاب تأکید تصویر یک قهوه‌خانه گذاشته شده بود.

۳. پان شولت در اثر «نپایهای باید طریبالیست نظر را بررسی کرد. به عقیده او این خطای رئالیستی این مکتب ناشی می‌گردد.»


۵. امانوئل کانت، بنیاد مبانی طبیعه اخلاق، ترجمه حمید عتایت و علی قیصری، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۹، شماره ۲۲۷، ص ۷۲.

۶. همان، شماره ۲۲۲، ص ۸۱.

۷. اخیراً مفهوم "حقیقت" و اهمیت آن در اندازه‌گیری اخلاقی کلاسیک طبیعتوی شازولان و جان ویلیام کرو را از ماده مبتنی بر تحقیقی که بر روی این موضوع نوشته‌ها و کتاب‌ها به است. به ورود رجوع شود به فصل چهارم از بخش در کتاب "یک نظریه دیواره عدالت".


۸. کانت، همان، شماره ۲۳۰، ص ۷۵.


۱۱. Ibid, p. 96.

۱۲. برای آشنایی با اصول رأی "صلح دموکراتیک" می‌توانید به دو اثر ذیر مراجعه کنید:

15. Ibid., p. 105.
16. Ibid., p. 94.
17. Ibid., p. 106.
18. Ibid., pp. 107-108.


25. ارنست گلنر و اريك هايز بام در آثار خود به تفصیل درباره رابطه بین مدرنیته و دولت مدرن را مورد بحث قرار داده‌اند و نتایج مدرن را زائده‌؛ افتضاح‌هاي عصر مدرن می‌دانند.